

# طالع بینی و تقویم دوازده حیوانی

(مروری بر گاهشماری دوازده حیوانی و رواج آن در ایران)

دکتر حسین بیات\*

## مقدمه

امروزه در ایران و بسیاری از جوامع دیگر، هنگام آغاز سال جدید، مردم علاقه‌مندند که بدانند این سال منسوب به کدام حیوان است. برخی از آنان از یکدیگر پرس و جو می‌کنند که پیشگویی‌ها در سال جدید درباره سرنوشت انسان‌ها و طبیعت و آب و هوا و پیشامدهای سیاسی و حکومت‌ها و... چگونه است و گاه نیز خود با توجه به ویژگی‌های حیوانی که سال جدید بدان نامگذاری شده است، به پیشگویی می‌پردازند.

نامگذاری سال‌های هجری شمسی به اسامی حیوانات، در کشور ما سابقه‌ای بیش از هفت قرن دارد. در این نوع گاهشماری، سال‌ها به دوره‌های دوازده‌گانه تقسیم می‌شوند و هر یک از این دوازده سال به نام حیوانی شناخته می‌شود. هر چند گاهشماری دوره‌ای، سال‌هاست که به طور رسمی در ایران منسوخ شده است، اما به دلیل ریشه دواندن در فرهنگ عامه مردم، هنوز هم سینه به سینه نقل می‌شود و حتی رسانه‌های رسمی چون تلویزیون، از رهگذر توجه به فرهنگ عامه، در برنامه‌های ویژه آغاز هر سال، نیم‌نگاهی نیز به این نامگذاری دارند.

\*. دکترای زبان و ادبیات فارسی

در این نوشتار، خواهیم کوشید  
ویژگی‌های این نوع گاهشماری، منشأ آن،  
تاریخچه و علل رواج آن را در ایران به‌طور  
گذرا بررسی کنیم.

### ویژگی‌های تقویم دوازده حیوانی

تقویم دوره‌ای دوازده حیوانی، یکی از  
تقویم‌های بسیار کهن، مشهور و در عین حال  
پیچیده است. این تقویم در منابع مختلف به  
نام‌های تاریخ ترک، تاریخ ترکستان،  
تاریخ ختن، تاریخ اویغور، سال‌های ختا و  
اویغور، سال‌های اویغور و تاتار، تاریخ ترکی  
غازانیه، تقویم خانی و... نامیده شده است.  
هر یک از سال‌های این تقویم به اسم حیوانی  
نامگذاری شده است که از موش شروع و به  
خوک ختم می‌شود و یک دوره دوازده ساله  
را تشکیل می‌دهد.

در *نصاب‌الصبیان ابونصر فراهی* که در  
اوایل قرن هفتم هجری قمری سروده شده،  
نام‌های این سال‌ها به ترتیب در این دو بیت  
گنجانده شده است:

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار  
و آنگاه به اسب و گوسفند است حساب حمدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار<sup>(۱)</sup>  
در این تقویم پس از یک دور دوازده ساله، اسامی این حیوانات و سال منسوب به آنها  
از نو تکرار می‌شود. صاحبان این تقویم، سال را در اصطلاح خود «سیجو» می‌نامند.  
شروع فصل‌های چهارگانه این سال حدود ۴۵ روز با تقویم فعلی ما تفاوت دارد؛ یعنی

فصل بهار از ۱۶ بهمن، تابستان از ۱۶ اردیبهشت، پاییز از ۱۵ مرداد و زمستان از ۱۵ آبان آغاز می‌شود. (۲)

علاوه بر نامگذاری سال‌ها، در داخل هر سال نیز هر یک از ماه‌ها به نام یکی از همان حیوانات نامگذاری شده است و مثلاً ماه اول سال ماه موش، ماه دوم ماه گاو، ماه سوم ماه پلنگ و بالاخره ماه دوازدهم ماه خوک نامیده می‌شود. شبانه روز نیز در این گاهشماری به دوازده بخش تقسیم می‌شود که هر یک از این بخش‌ها «چاغ» نام دارند و این چاغ‌ها نیز به ترتیب به نام دوازده حیوان مذکور شناخته می‌شوند. نام‌های این حیوانات در منابع مغولی، ترکی، عربی و فارسی چنین آمده است:

فارسی	ترکی	عربی	مغولی
موش	سیچقان	فاره	زه
گاو	اود	بقر	جیو
پلنگ	بارس	نمر	یم
خرگوش	توشقان	ارنب	ماو
نهنگ	لوی	تمساح	چن
مار	ئیلان	حیه	ضین
اسب	یوند	فرس	وو
گوسفند	قوی	غنم	دی
میمون	بیچین	حمدونه	شن
مرغ	تخاقوی	داقوق	بود
سگ	ایت	کلب	شیو
خوک	تنغوز	خنزیر	خالی (۳)

علاوه بر تقسیم‌بندی شبانه روز، تقسیمات دیگری همچون تقسیم سال به شش دوره شصت روزه و حتی اجزایی کوچکتر از چاغ که گاه توان محاسبه زمانی به اندازه هشت ثانیه را نیز دارد، در این تقویم دیده می‌شود که برای پرهیز از پیچیدگی مطلب، به آنها نمی‌پردازیم. از این تقسیم‌بندی‌ها، تنها دوره دوازده گانه سال‌ها در ایران رایج شده است.

### منشأ تقویم دوره‌ای دوازده حیوانی

قدیمی‌ترین خبری که از وجود این تقویم در میان ترکان آسیای مرکزی می‌یابیم، در آثار *ابوریحان بیرونی* آمده است. او در کتاب‌های *آثار الباقیه*، *التفهیم* و *قانون مسعودی* به این تقویم اشاراتی کرده است. بیرونی وقتی در آثار الباقیه از تقویم‌های ملل مختلف یاد می‌کند، در جدولی ماه‌های منسوب به ترکان را می‌آورد، اما در کنار آنها می‌نویسد: «نه بر مقادیر نه بر معنی و نه بر کیفیات این ماه‌ها آگاهی پیدا نکردم.»<sup>(۴)</sup>

علاوه بر *ابوریحان*، *محمد بن حسین بن محمد کاشغری* که معاصر او بوده است، در دیوان *لغات التترک* (نوشته شده در ۴۴۶ ه. ق.) ضمن بیان دوازده نام مذکور، افسانه‌ای درباره تاریخچه این تقویم نقل می‌کند که خلاصه آن چنین است:

اقوام ترک قبل از ابداع این تقویم، تقویم دقیقی نداشتند تا اینکه یکی از پادشاهان ترک، در ثبت تاریخ یکی از جنگ‌های خود دچار اشتباهی شد و از بزرگان قوم خود خواست تا تقویمی ترتیب دهند و مبدایی برای آن تعیین کنند تا از اشتباهات پیشگیری شود. بزرگان قوم پس از مشورت زیاد خواستند تقویمشان را بر اساس بروج دوازده گانه فلکی تنظیم کنند. اما استفاده از اسامی بروج فلکی به عللی مورد موافقت قرار نگرفت. سپس قرار بر این شد که به این منظور از اسامی حیوانات استفاده شود. مراسم شکاری در صحرای ایلا ترتیب یافت و دوازده نوع حیوان موفق شدند از رودخانه بگذرند و به ساحل برسند و ترکان این پیشامد را به فال نیک گرفتند و نام هر یک از حیوانات را برای سالی انتخاب کردند.<sup>(۵)</sup>

*خواجه نصیرالدین طوسی*، از منجمان قرن هفتم هجری در رساله *سی فصل خود*، ابداع و اختراع این تقویم را به حکمای ختا و اویغور نسبت می‌دهد: «از جمله تواریخ، تاریخ ترکی است. بدان که حکمای ختا و اویغور تاریخی وضع نموده‌اند و این تاریخ را هم در تقویم، ثبت نمایند و در شمردن سال‌ها بر دور اثناعشری اقتصر نمایند. چون در میان ایشان ادوار متعدده است که در زیج‌ها منظور است، از آن جمله دور اثناعشری است و آن چنان است که هر سالی را به اسم جانوری مرسوم نموده‌اند.»<sup>(۶)</sup>

با این همه باید گفت که این تقویم، تنها در میان ترکان رایج نبوده است، بلکه تمام اقوام زردپوست و اقوام آسیای شرقی و جنوب شرقی و جنوب هندوستان با این گاهشماری آشنایی داشته‌اند و هر یک با اندکی تفاوت، نام دوازده حیوان را به ماه‌های

دوازده گانه سال خویش داده‌اند و هنوز هم در برخی از این کشورها این تقویم، در میان مردم تقویمی شناخته شده است. مارکوپولو، سیاح ونیزی که در اواخر قرن هفتم هجری در زمان قوبلای قاآن، نواده چنگیزخان، از پکن دیدن کرده و مدت بیست سال در چین روزگار گذرانده است، در سفرنامه خود می‌نویسد: «در شهر خانبالغ (پکن فعلی) بیش از پنج هزار ستاره‌شناس و طالع‌بین مسیحی و مسلمان و ختایی هست. باید دانست که تاتارها سال‌های خود را به دوره‌های دوازده گانه تقسیم می‌کنند و بر روی هر سال نام مخصوص می‌گذارند:

با این همه باید گفت که این تقویم، تنها در میان ترکان رایج نبوده است، بلکه تمام اقوام زردپوست و اقوام آسیای شرقی و جنوب شرقی و جنوب هندوستان با این گاهشماری آشنایی داشته‌اند و هر یک با اندکی تفاوت، نام دوازده میوه را به ماه‌های دوازده‌گانه سال خویش داده‌اند.

سال شیر، سال گاو، سال اژدها و... و همین که دوره دوازده ساله سپری شد، مجدداً دوره بعد به همین شکل تجدید می‌شود.»<sup>(۷)</sup>

بوداییان چین و ژاپن و هند و دیگر نقاط آسیای جنوب شرقی، ابتدای سال و تقویم دوازده حیوانی را به بودا منسوب می‌کنند. آنها معتقدند که بودا در آغاز سال نو تمام حیوانات را دعوت کرد، ولی از میان آنها تنها دوازده حیوان به دعوت او پاسخ گفتند و به ملاقاتش آمدند. بودا نیز مقدر کرد که سرنوشت جهان به ترتیب به دست این دوازده حیوان باشد و این گردش روزگار از زمان بودا به این طرف همچنان ادامه داشته است.<sup>(۸)</sup>

شاردن، سیاح فرانسوی که در اواخر صفویه در ایران به سر می‌برده است، در کتاب خود (سیاحتنامه شاردن) درباره تقویم‌های مرسوم در دربار صفویه سخن گفته است و هر چند درباره تقویم دوازده ساله ترکان اطلاع مستندی به دست نمی‌دهد، اما از روی حدس و گمان، پیدایش این تقویم را با پیدایش این اقوام مربوط می‌داند و می‌افزاید: این نظر من ناشی از آن است که خلق‌های بسیاری از هندیان همچون مالایی‌های ساکن مناطق جنوبی هندوستان و مردمان سیام و تنکن همین ادوار دوازده ساله را در تقویم‌های خود به کار می‌برند. او از قول مورخان نقل می‌کند که این تقویم، در نتیجه بت‌پرستی و

ستایش اصنام ایجاد شده است و اینکه سال‌ها و ماه‌ها و روزها و ساعت‌ها به نام حیوانات نامیده شده است، یادآور خاطره قربانی کردن در پیشگاه بت‌هاست.<sup>(۹)</sup>

**سید حسن تقی‌زاده** نیز به یازده فقره تاریخ ترکی با ذکر ماه و سال اشاره می‌کند که از کتیبه‌های قدیم ترکی استخراج شده‌اند و **گینزل** آنها را ثبت کرده و همه بین سال‌های ۶۸۰ و ۷۳۴ میلادی هستند و با محاسبه فعلی سال‌های حیوانی مطابقت دارند. همین محقق چندین فقره تاریخ ترکی دیگر را از تقویم‌های بسیار قدیمی ترکی و فارسی

جمع‌آوری کرده است که با حساب معمول سال‌های ختا و اویغور موافقت.<sup>(۱۰)</sup>

**اسامی اردیبهشت، فرداد، امرداد،**

**شهریور، بهمن و اسفند نام شش تن از**

**فرشتگان بزرگ و یاوران مقرب**

**اهورامزدا در امور عالم (امشاسپندان) و**

**مابقی ماه‌ها، نام بعضی از ایزدان و**

**فرشتگان درجه دوم و یکی از آنها (دی) از**

**القاب و صفات اهورامزدا بود.**

چنانکه می‌بینیم، در بیشتر منابع، این تقویم به ترکان یا ختاییان نسبت داده شده است و در مجموع می‌توان گفت این گاهشماری از آن مردمان شرق آسیا، به‌ویژه ختاییان بوده است که در سرزمین ختن می‌زیسته‌اند و همین سرزمین، مهد اولیه تمدن چینی بوده است.

### رواج گاهشماری دوازده حیوانی در ایران

هر چند ترتیب سال و ماه ترکی و به‌ویژه دوره دوازده ساله حیوانی در بین اقوام مجاور ترکان آسیای شرقی و حتی برخی از ایرانیان نیز رایج بوده است و مثلاً مردم بخارا هم ماه‌ها را به طریقه ترکی با عدد می‌شمرده‌اند و سغدیان مانوی این سالشماری دوازده‌گانه را به کار می‌برده‌اند،<sup>(۱۱)</sup> اما نفوذ جدی این تقویم در فرهنگ ایرانی را باید از پیامدهای حمله مغول در قرن هفتم هجری دانست. پیش از این واقعه، این تقویم در ایران شناخته شده نبوده است. چنانکه گفتیم، ابوریحان بیرونی در قرن پنجم هجری پس از ذکر ماه‌های تقویم ترکی از کیفیت آنها اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و وقتی منجم و دانشمند مشهوری چون او در همین حد اندک از این تقویم مطلع است، پیداست که این شیوه گاهشماری برای مردم عادی آن زمان، کاملاً ناشناخته بوده است.

تقویم رایج در ایران آن روزگار، همان تقویم یا تاریخ اوستایی بوده که هنوز هم اساس تقویم ایرانی بر آن استوار است. در این تقویم که از روزگار هخامنشیان و با نفوذ آیین زردشتی در ایران رایج شده بود، سال و ماه و روزها دارای اسامی دینی (زردشتی) بود. از این اسامی، اردیبهشت، خرداد، امرداد، شهریور، بهمن و اسفند، نام شش تن از فرشتگان بزرگ و یاوران مقرب اهورامزدا در امور عالم (امشاسپندان) و مابقی ماه‌ها، نام بعضی از ایزدان و فرشتگان درجه دوم و یکی از آنها (دی) از القاب و صفات اهورامزدا بود. ایرانیان در آن روزگار، هر یک از ایام سی روزه ماه را به نامی می‌خواندند و هفته در میان آنها شناخته شده نبود. پس از ورود اسلام به ایران، هفته، که خاص اقوام سامی است، به همراه استفاده از تواریخ قمری در ایران رایج شد و استفاده از تقویم هجری قمری در کنار تقویم اوستایی (که بعدها به صورت تاریخ هجری شمسی درآمد)، در ایران رواج یافت.<sup>(۱۲)</sup>

ورود گاهشماری ترکی به فرهنگ ایرانی و استفاده ایرانیان از دوره دوازده گانه سالشماری حیوانی - هر چند توسط قوم خانمان برانداز مغول به ایران وارد شده باشد - نوعی تأثیرپذیری فرهنگی است که مانند هر تأثیر فرهنگی دیگری می‌تواند حاوی جنبه‌های مثبت و منفی باشد. پذیرفتن این نوع گاهشماری و استفاده از آن به عنوان ابزاری علمی می‌تواند پدیده‌ای مثبت تلقی شود، چنانکه کسانی چون **خواجه نصیرالدین طوسی** از این منظر بدان نگریسته‌اند، اما چنانکه خواهیم دید، این پدیده از جنبه‌های منفی و خرافی نیز خالی نبوده است که در سطور آتی سعی خواهیم کرد با تفکیک این دو جنبه از هم، جایگاه این تأثیرپذیری را در فرهنگ ایرانی تبیین کنیم.

چنانکه می‌دانیم، مغولان در اثر بی‌کفایتی و بی‌تدبیری حاکمان خوارزمشاهی خراسان، در اواخر سال ۶۱۶ هجری قمری به ایران حمله‌ور شدند و به کشتارهای فراوان و قتل و غارت و ویرانی آبادانی‌ها پرداختند. نگاهی گذرا به کتب تاریخی که این واقعه هولناک در آنها شرح شده است، نشان می‌دهد که مصیبتی که از این قوم بر ملت ایران رفته است، در طول تاریخ این ملک نظیر ندارد.\*

\*. برای مطالعه گوشه‌هایی از این ویرانی‌ها و جنایت‌ها مراجعه کنید به: تاریخ جهانگشای جوینی، عظامک جوینی، تصحیح محمد قزوینی، چاپ لیدن، ۱۹۱۱، جلد اول.

بدترین و خطرناک‌ترین نتیجه این اوضاع، انحطاط عقلی و فکری است که طبعاً با هر حمله سخت ویرانکارانه‌ای حاصل می‌شود. در این واقعه شهرهای بزرگ که مراکز اصلی علوم و علما بود، خالی از سکنه و ویران شد. هجوم و تصرف بلاد و کشتار مردم و غارت و ویرانی به درجه‌ای از سرعت و شدت و وسعت بود که جز به بعض معدودی از متفکران و بزرگان زمان فرصت‌گریز و رهایی خود نداد. کتابخانه‌های بزرگی که در شهرهای پرجمعیّت و آباد ماوراءالنهر و خراسان و عراق بود به سرعتی عجیب پایمال شد و یا در خرابه‌ها مدفون گشت و همراه صاحبان کتاب‌ها و خوانندگان آنها راه دیار نیستی گرفت. بسیاری از خاندان‌های حکومت و ریاست و دانش که بیشتر آنان مروجان علم و ادب و حامیان عالمان و ادیبان بودند، یکباره برافتادند. تمامی این عوامل به همراه فقر عمومی و از میان رفتن آبادانی‌ها و کوچک شدن شهرها و برهم خوردن مراکز تحقیق و تعلیم و تعلّم و افتادن کار به دست وحشیانی که البته علم و هنر را رجی نمی‌نهادند، مایه تنزل علمی و فکری ایرانیان گردید. (۱۳)



از نظر جامعه‌شناسان، موقعیت‌های اجتماعی فشار آور، شرایط مناسبی را برای پیدایش و پذیرش باورهای خرافی به وجود می‌آورند، به‌ویژه موقعیت‌هایی که در آنها اقدام سیاسی به عنوان راهی برای ابراز نارضایتی امکان نداشته باشد.<sup>(۱۴)</sup>

**گاه‌شماری فتا و اویغور که مغولان با فود به ایران آوردند، دارای امکامی نیهومی بود که برای ترکان و مغولان در زمره اعتقادات دیرین و برای ایرانیان و فرهنگ و تمدن آنها،**

#### **عقایدی خرافی بود.**

روان‌شناسان نیز معتقدند در

موقعیت‌های توأم با خطر و پریشانی شدید، که عدم قطعیت نیز فوق‌العاده زیاد است، احتمال بروز رفتار خرافی بیشتر است. این امر ممکن است تا حدودی نمایشگر واپس‌روی (regression) به سطح نگرش‌های عاطفی کودکانه باشد. به همین ترتیب، بیماری نیز یکی از شرایطی است که همه عناصر لازم برای به وجود آمدن خرافه را با خود دارد.<sup>(۱۵)</sup>

بر اساس آنچه در کتاب‌های تاریخی ثبت شده است، از همان آغاز رویارویی ایرانیان با لشکر خونخوار مغول، حالت انفعال و پناه بردن به دامان خرافه‌ها و افکار ظاهرآ تسکین دهنده، رفتاری است که حتی از بزرگان آن زمان سر می‌زند. در **تاریخ جهانگشای جوینی** در شرح حمله مغولان به شهر بخارا، نمونه‌ای از این عکس‌العمل را می‌بینیم: در بخارا چنگیز با سپاهیان خود وارد شهر شده و در مسجد جامع نزول کرده بود. اسبان را در مسجد بسته و صندوق‌های قرآن را جعبه‌گاه و علف چارپایان کرده و نسخه‌های قرآن را در میان گل و لای زیر دست و پا پایمال کرده بودند. «در این حالت امیر امام جلال‌الدین علی‌بن‌الحسن الرّندی که مقدم و مقتدای سادات ماوراءالنهر بود و در زهد و ورع مشارالیه، روی به امام عالم رکن‌الدین امامزاده که از افاضل علمای عالم بود آورد و گفت: مولانا چه حالت است؟ اینکه می‌بینم، به بیداری است یا رب یا به خواب؟ مولانا امامزاده گفت: خاموش باش! باد بی‌نیازی خداوند است که می‌وزد، سامان سخن گفتن نیست!»<sup>(۱۶)</sup>

طبیعی است که در چنین شرایطی، قوم شکست خورده با این درجه از انفعال، از

عادات و آداب و فرهنگ قوم غالب به شدت متأثر شوند. چنین بود که بسیاری از اعتقادات و افکار مغول از قبیل اعتقاد به ارواح شریر و تأثیر آنها در امور عالم، ترس از جادوی و جادوان، معتقد بودن به خرافاتی درباره پیشگویان و رعد و برق و اذکار و ادعیه برای تصرف در امور طبیعت و همچنین رسوم و آدابی که در مجالس یا در نظام مملکت داشتند، همگی به تدریج از آنان به قوم مغلوب منتقل شد.

تأدب ایرانیان قرن هفتم به آداب مغولی و حتی به خط اویغوری، مورد شکایت طبقات عالی ایرانیان بود و بعدها هر چه بر عمر حکومت مغولان در ایران بیشتر گذشت، این نفوذ بیشتر شد. چنانکه حتی طرز گاهشماری آنان که مبنی بر تصور دوری در سالها و تسمیه آنها به اسامی حیوانات بود، در ایران متداول شد.<sup>(۱۷)</sup>

گاهشماری ختا و اویغور که مغولان با خود به ایران آوردند، دارای احکامی نجومی بود که برای ترکان و مغولان در زمره اعتقادات دیرین و برای ایرانیان و فرهنگ و تمدن آنها، عقایدی خرافی بود. احکام نجومی این نوع گاهشماری هنوز هم در میان اقوامی که آن را به کار می‌گیرند، طرفداران بسیار دارد. پائولا دلسول می‌نویسد: «حتی در عصر ما چینی‌ها اعتقاد دارند که وقایعی که در هر سال رخ می‌دهد و افرادی که در آن سال به دنیا می‌آیند، تحت تأثیر خصوصیات حیوانی است که بر آن سال حاکم است. بنابراین چینی‌ها و کلیه ملت‌های زردپوست، چه در کار و چه در دوستی و چه در عشق و ازدواج، اهمیت فراوانی برای این سال‌ها قایل هستند. فی‌المثل در سال ۱۳۴۵ که مقارن سال اسب بود، بسیاری از زنان ویتنامی و ژاپنی از این که فرزند جدیدی داشته باشند، امتناع کردند. زیرا در اعتقادات این ملت‌ها عقیده بر این است که سال اسب برای بچه‌ای که در آن سال به دنیا بیاید، و همچنین برای خانواده بچه، توأم با نحوست خواهد بود.»<sup>(۱۸)</sup>

شگفت اینجاست که از میان تمام جنبه‌های پیچیده این تقویم - که در صفحات پیشین به آن اشاره شد - تنها دوره دوازده گانه سالشماری آن که به کار طالع‌بینی و پیشگویی و... می‌آمد و خرافه محض بود، در میان عامه مردم ایران رواج یافت. با این همه، شاید تمامی عوامل پیش گفته، به تنهایی نمی‌توانستند موجب گسترش این سالشماری در ایران شوند اما مسائل دیگری که به آنها اشاره می‌شود، زمینه را برای پذیرش اجتماعی این پدیده، کاملاً مهیا کردند:

مدتی پس از حمله مغولان، سران آنها تحت تأثیر فرهنگ اسلامی به دین اسلام در آمدند. ایلخانان مسلمان مغول سعی می‌کردند تقویم دوازده حیوانی خود را در کنار تقویم آن روز ایران (تقویم اسلامی) به کار بگیرند چرا که یکی نشانه قومیت و ملیت آنان و یکی نشانه مسلمانی و دینداریشان بود.<sup>(۱۹)</sup>

در همان اوایل حضور مغولان در ایران، **خواجه نصیرالدین طوسی** که در ریاضیات و تشکیل رصدخانه شهرتی عالمگیر کسب کرده بود، در خدمت هلاگوی مغول درآمد. ایلخان مغول او را نزد خود نگاه داشت و در سال ۶۵۷ هجری مأمور ایجاد رصدخانه مراغه کرد و برای این کار، تمامی اوقاف ممالک ایلخانی را در اختیار او گذاشت.<sup>(۲۰)</sup>

یکی از ثمرات علمی بزرگ تأسیس این رصدخانه، تألیف کتاب مشهور **زیج ایلخانی** به پارسی بود. در این کتاب، **خواجه نصیرالدین طوسی** قواعد استخراج تاریخ دوازده حیوانی را شرح داد و به فرمان ایلخانان مغول، این تاریخ، رسماً در ایران متعارف شد.<sup>(۲۱)</sup>

از آن پس، چنانکه گفتیم، خان‌های مغول این تقویم را در کنار تقویم هجری اسلامی به کار گرفتند و در دوره‌های بعد، یعنی دوره صفوی و قاجار نیز سال مالی بر اساس تقویم خانی (دوازده حیوانی) بود و حتی می‌توان دوره‌های صفویه و قاجاریه را دو دوره عمده رواج این تقویم دانست.<sup>(۲۲)</sup> اما همه اینها علت اصلی رواج این تقویم در جامعه ایران نبودند و دلیل اصلی گسترش آن را باید در همان احکام نجومی و قابلیت این تقویم برای استفاده در طالع‌بینی و عقاید عامیانه دانست. اگر این تقویم، احکام نجومی و پیش‌بینی‌ها و پیشگویی‌ها را در خود نداشت، به احتمال زیاد به سرنوشت تقویم‌هایی دچار می‌شد که در تاریخ، بنا به سیاست‌هایی، زمانی مورد توجه و حمایت قرار

---

یکی از ثمرات علمی بزرگ تأسیس رصدخانه مراغه تألیف کتاب مشهور **زیج ایلخانی** به پارسی بود. در این کتاب **خواجه نصیرالدین طوسی** قواعد استخراج تاریخ دوازده حیوانی را شرح داد و به فرمان ایلخانان مغول این تاریخ رسماً در ایران متعارف شد.

---

گرفته‌اند، ولی چندان دوام نیافته، منسوخ گشته و به فراموشی سپرده شده‌اند. همین خصوصیات انسانی و اجتماعی این تقویم بوده است که سبب گسترش سریع آن در جامعه آن روزگار ایران گردیده است، جامعه‌ای که از نظر آشفته‌گی فکری و بی‌سامانی زندگی، مستعد پذیرش این مسائل بود. چنانکه هنوز هم مردم از این تقویم یاد می‌کنند و هنوز هم طرفدارانی دارد و این نوع اعتقادات، جزو آداب و رسوم معمول شده است. در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی، مجلس شورای ملی استفاده از این تقویم را ممنوع کرد:

«ترتیب سالشماری ختا و اویغور که در تقویم‌های سابق معمول بوده، از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.» (مصاحب، ذیل ماده سال‌های خطا و اویغور) در کشورهای دیگر هم امروزه به طور رسمی جز نامی از این تقویم نمانده است، زیرا صاحبان اصلی و طرفداران قدیمی این تقویم، نظیر چین و ترکیه جدید نیز مانند اکثر دول عالم از تقویم بین‌المللی میلادی تبعیت می‌کنند و تقویم‌هایشان بر مبنای میلاد مسیح است اما به دلیل احکام نجومی این تقویم، مردمان همه این کشورها تعلق خاطر خاصی نسبت به آن نشان داده‌اند. بدین سبب است که تقویم نویسان معاصر ناچار می‌شوند در کنار تقویم‌های نجومی، ستونی نیز به این تقویم اختصاص دهند و بدون اینکه درباره سایر خصوصیات آن چیزی بنویسند، تصویر حیوانی را روی جلد تقویم چاپ کنند و اختصاص هر سالی را به حیوانی از حیوانات دوازده گانه، معلوم دارند. (۲۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱- فراهی، ابونصر محمد بدرالدین، نصاب الصبیان، به اهتمام محمد جواد مشکور، تهران، ۱۳۴۵ ص ۵۸.
- ۲- نبئی، ابوالفضل، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵، ص ۸۸.
- ۳- همان منبع، صص ۹۴ - ۹۳.
- ۴- بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، ۱۳۲۱، ص ۹۸.
- ۵- نبئی، پیشین، ص ۸۳.
- ۶- طوسی، خواجه نصیرالدین، سی فصل، مندرج در کتاب شرح سی فصل به تصنیف میرزا عبدالعلی منجم، بی جا، ۱۳۳۲، صص ۱۹ - ۱۸.
- ۷- نبئی، پیشین، ص ۸۳.
- ۸- دلسول، پائولا، طالع‌بینی چینی، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۹۵.
- ۹- شارون، ژان، سیاحت نامه شارون، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۹۵.
- ۱۰- تقی‌زاده، سید حسن، گاهشماری در ایران قدیم، کتابخانه تهران، ۱۳۱۶، ص ۲.
- ۱۱- همان منبع، ص ۱۱.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله، «تقویم ایران قدیم»، مجله یغما، شماره اول، ص ۱۰۹.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۸۳.
14. Toch. hans, social Psychology of social movements, Methuen, 1966 page 43.
- ۱۵- جاهودا، گوستاو، روانشناسی خرافات، ترجمه محمد نقی براهنی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۵۹.
- ۱۶- جوینی، عظاملک، تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، جلد اول، لیدن، ۱۹۱۱، ص ۸۱.
- ۱۷- صفا، تاریخ ادبیات ایران، پیشین، جلد ۳، ص ۸۲.
- ۱۸- دلسول، پیشین، ص ۷.

- ۱۹ - نبئی، پیشین، ص ۸۵
- ۲۰ - صفا، تاریخ ادبیات ایران، پیشین، جلد ۳، ص ۲۵۷.
- ۲۱ - نبئی، پیشین، ص ۸۵
- ۲۲ - همان منبع، ص ۸۷
- ۲۳ - همان منبع، ص ۱۰۱.

